

گزارش یک دنیاچندری

بررسی خط به خط تیم ملی فوتبال ایران در مسیر کسب سهمیه جام جهانی

مقتدر اما پرنوسان با نقطه ضعف های مشهود



بوزهای ایران، بار دیگر صعود مقتدرانه‌ای را به جام جهانی رقم زدند. تیم ملی فوتبال ایران که سکان هدایت آن را در مرحله نهایی مقدماتی جام جهانی امیر قلعه‌نوبی (مربی داخلی) در دست داشت، با کسب ۲۳ امتیاز از ۱۰ بازی (هفت برد، دو مساوی و تنها یک شکست) به عنوان صدرنشین گروه خود (A)، به بیست و سومین دوره رقابت‌های جام جهانی که قرار است به میزبانی لس آنجلس برگزار شود، صعود کرد. در این گزارش به عملکرد خط به خط تیمی می‌پردازیم که در ۱۰ بازی ۱۹ گل به ثمر رساند و هشت گل دریافت کرد و تا آستانه صعودی بدون شکست هم پیش رفت و عملکرد دروازه‌بان‌ها، خط دفاع، هافبک‌های دفاعی، هافبک‌های هجومی، وینگرها و مهاجمان را بررسی می‌کنیم.

■ ■ ■

«دروازه» یکی از نقاط قوت ایران در طول مرحله نهایی مقدماتی جام جهانی بود، هر چند هشت گل خورده از نظر امیر قلعه‌نوبی آمار ضعیفی بود، اما به رغم آنکه خط دروازه ایران گاهی همچون بازی با قطر دقایقی دچار اشتگی شد، ثبات نسبی داشت و اگر چه جای بهبود دارد اما نمی‌توان آن را جزو نقاط ضعف تیم قلمداد کرد. حفاظت از دروازه ایران را در این مرحله عمدتاً علیرضا بیرانوند بر عهده داشت؛ گلری که با چند کلین شیت، عملکرد قابل قبولی ارائه داد، هر چند در مصاف‌های حساسی چون بازی با ازبکستان و قطر قفل آن باز شد اما نمره قابل قبولی گرفت؛ دروازه‌ای که گاهی نیز سیدحسین حسینی درون چارچوب آن قرار گرفت و عملکرد قابل قبولی داشت، اما برای کسب نتیجه در جام جهانی باید فکری برای نوسان عملکرد دروازه‌بان‌ها و نقطه‌ضعف‌های آنها که باعث باز شدن قفل دروازه ایران در برخی بازی‌ها شد، کرد.

نقطه قوتی با چند ضعف قابل توجه

بی‌تردید عملکرد خط دفاعی ایران تأثیر قابل توجهی بر نتایج رقم خورده در بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶ داشت، هر چند آمار زاین و استرالیایی یکی از خطوط دفاعی مستحکم آسیا را به خود اختصاص داد، با وجود این همانطور که بسیاری از کارشناسان هم به آن اشاره داشتند، خط دفاعی ایران ضعف‌هایی داشت که عدم برطرف کردن آن می‌تواند یقه تیم را در جریان مسابقات جام جهانی

بگیرد؛ نقطه‌ضعف‌هایی که یکی از آنها خشونت بی‌دلیل در بازی و دریافت کارت از داور میدان بود که در چند بازی به اخراج منتهی شد و دست تیم و سرمربی آن را در پوست گردو قرار داد. ■ **منسجم و فشار شکن اما تحت فشار** ایران در این رقابت‌ها بود. قلعه‌نوبی جز بازی نخست، تیمش را با سیستم ۳-۲-۴ راهی میدان می‌کرد که در این سیستم، سعید عزت‌اللهی جز یک دیدار، پای ثابت ترکیب ایران بود. هافبک دفاعی سمت چپ ایران که همواره یکی از مهره‌های تأثیرگذار میدان بود عمدتاً نمره خوبی دریافت می‌کرد که این نشان از عملکرد قابل قبول او داشت. زوج عزت‌اللهی اما در این بازی‌های بارها و بارها تغییر کرد و قلعه‌نوبی در سمت راست از نورافکن (یک بازی)، محبی، محمد کریمی، سامان قدوس و حتی رزاقی استفاده کرد اما سمت چپ هرگز جز در یک بازی دست‌خوش تغییر نشد، چرا که به راستی نقطه قوت تیم بود و فشار شکن تیم که البته فشار زیادی را هم متحمل می‌شد اما نمرات داده شده در پایان هر بازی به این

خط به خصوصی سمت چپ نشان می‌داد عزت‌اللهی نه تنها در فاز دفاعی توان بازپس‌گیری توپ و خراب کردن برنامه مهاجمان حریف که در توزیع توپ و تنظیم ریمت بازی نیز نقش کلیدی دارد، اما هنوز در بازی‌سازی زیر فشار به بلوغ کامل نرسیده، شاید چون سمت راست هرگز در طول این بازی‌ها نتوانست پا به پای سمت چپ و هماهنگ با آن پیش برود، اما در مجموع، هافبک‌های دفاعی ایران به خوبی از عهده کاهش فشار از روی خط دفاعی تیم برآمدند و در بازی‌هایی که مالکیت در اختیار حریف بود، تعادل خط میانی را حفظ کردند.

گاه خلاق، اما گاه...

بر برنامه‌های امیر قلعه‌نوبی، مغز متفکر حملات ایران هافبک‌های هجومی تیم بودند، به همین دلیل هم او عمدتاً تیمش را در حالی با یک مهاجم نوک روانه میدان می‌کرد که سه بازیکن هجومی که عمدتاً در زمره مهاجمان تیم قرار دارند، در خط عقب بازی می‌کردند. در واقع قلعه‌نوبی سعی داشت با استفاده از خلاقیت مهاجمان خود به عنوان هافبک‌های هجومی یا حتی وینگر، قدرت تهاجمی

تیمش را در خط حمله بالا ببرد تا بوزها در خلق موقعیت برای تک‌مهاجم تیم برابر تر عمل کنند. مغز متفکر حملات ایران اگر چه گاه خلاقیت‌های خوبی در این زمینه از خود به نمایش می‌گذاشت اما گاهی نیز چون ستاره‌های افول کرده از عهده تغذیه تک‌مهاجم تیم برای گلزنی بر نمی‌آمد؛ درست مثل بازی رفت با ازبکستان و دیدار برگشت با قطر.

سه بازیکنی که پشت مهاجم اصلی تیم قرار می‌گرفتند گاه نقش وینگرهایی را بازی می‌کردند که وظیفه آنها شتاب دادن به بازی جهت بالا رفتن ریمت آن بود. در واقع وینگرها که نفرات آن در هر بازی دست‌خوش تغییر می‌شد، در ترکیب ایران نقش مهمی را در کشش عرضی بازی داشتند. از آنجا که استراتژی ایران، تراکم خط میانی در مرکز بود، وینگرهای سرعتی و فنی دست‌شان برای باز کردن فضای بازی و ایجاد فرصت حمله به عمق دفاعی حریف باز بود، هر چند باوجود تمام این برنامه‌ها، گاهی در برخی بازی‌ها مانند دیدار رفت با ازبکستان و برگشت با قطر، امید گل پایین (۰/۲۷) و شانس گل صفر نشان از عملکرد ضعیف ایران در حمله

داشت؛ حملاتی که قاعدتاً انتظار می‌رفت وینگرها در تدارک آن نقش پررنگی را ایفا کنند. البته این خط در بسیاری بازی‌ها عملکرد قابل قبولی در خلق موقعیت داشت اما نبود یک هافبک هجومی یا ثبات بالا در برخی بازی‌ها شدیداً احساس می‌شد که قلعه‌نوبی بی‌شک باید فکری برای آن بکند. خط حمله ایران بارها در این بازی‌ها دست‌خوش تغییر شد و مهاجم نوک بودن بین طارمی و آزمون دست به دست می‌شد اما طارمی با اختلاف بهترین مهاجم تیم ملی بود که در تمام این بازی‌ها ثابت شد نیاز به حمایت بیشتر از سوی سایر مهاجمان تیم که به عنوان وینگر یا هافبک هجومی وارد میدان می‌شدند، داشت. در واقع بی‌هیچ شک و تردیدی در اکثر بازی‌ها مأموریت گلزنی بر عهده طارمی بود و انصافاً او به خوبی از عهده مأموریتی که بر گردش گذاشته شده بود برآمد، البته سردار آزمون هم در این پست عملکرد قابل قبولی داشت که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. باوجود این مهاجمان ایران نتوانستند آماری بهتر از ۱/۹ گل در هر بازی را برای مرحله مقدماتی جام جهانی ثبت کنند، هر چند این رقم قابل قبولی است اما با توجه به مهره‌های خط حمله ایران، انتظارات به مراتب بیش از این است.

بی‌هیچ شک و تردیدی ایران در مسیر کسب جواز حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ عملکردی متعادل، کم‌فراز و نشیب، کم‌نوسان و صد البته که قدرتمند ارائه کرد. دروازه ایران با عملکردی نسبتاً باثبات، خط دفاع با ساختاری قابل اتکا و البته ضعف‌های مشهودی که باید برطرف شود، خط هافبک (دفاعی) قدرتمند و هوشمند در نبردهای میانه میدان، خط هافبک (هجومی) خلاق در کنار وینگرهای سرعتی و مهاجمانی چون طارمی و سردار که سطح بالایی دارند، از ایران یک تیم مقتدر و قدرتمند ترسیم کردند که توانست نمره قابل قبولی در کسب جواز حضور در جام جهانی بگیرد، با وجود این ضعف‌های آشکار این تیم در فاز دفاعی به خصوص در بازی‌های فیزیکی و نوسان در خلاقیت بازی‌سازان‌ها هم در بازی‌های که مالکیت دست حریف بود، زنگ خطری جدی را برای قلعه‌نوبی به صدا درآورد که انتظار می‌رود سرمربی تیم ملی فوتبال ایران برنامه‌های حساب‌شده برای برطرف کردن آن داشته باشد تا بتواند تیمش را در شرایطی ایده‌آل‌تر از مرحله مقدماتی راهی جام جهانی کند که در آن مرحله حریفان به مراتب دشوارتر از تیم‌هایی خواهند بود که در مسیر کسب سهمیه به تور ایران خورند.

چالش بازی تدارکاتی



کارنامه‌اش با باخت‌های سنگین احتمالی مقابل تیم‌های بزرگ دنیا خراب شود! در این دوره نیز فدراسیون قول داده تدارک خوبی برای تیم ملی در نظر بگیرد. علاوه بر مهدی تاج، حتی وزیر ورزش نیز روی این موضوع تأکید کرده است. روزهای ۱۰ تا ۱۸ شهریورماه اولین فبفادی پیش‌روی تیم ملی خواهد بود و پس از آن هم فبفادی‌های ۱۴ تا ۲۲ مهرماه و ۱۹ تا ۲۷ آبان را پیش‌رو خواهیم داشت. با تلاش فدراسیون فعلاً فقط بازی دوستانه با شیلی قطعی شده است. ایران و شیلی ۲۲مهرماه رودرو می‌هم قرار خواهند گرفت. آطور که اعلام شده بازی با روسیه نیز قطعی شده و گویا قرار است ۱۴ مهرماه این بازی برگزار شود. از آنجا که در جام جهانی حریفان‌مان قدرتمند و از قاره‌های مختلف خواهند بود، بدون شک این دو بازی نمی‌تواند آمادگی تیم برای حضور در این رویداد را تضمین کند. با توجه به شرایط پیش آمده قطعاً کارمان برای پیدا کردن حریف تدارکاتی سخت‌تر هم خواهد شد و باید دید تیم قلعه‌نوبی قبل از شروع جام جهانی چند بازی دوستانه برگزار خواهد کرد.

چرا که آنها در مواقع حساس و درست زمانی که بیشترین فشار روی رفر اول تیمکت است، با مشورت‌های صحیح و بموقع به داد تیم می‌رسند. مشورت‌های تاکتیکی و پیدا کردن راهی برای نجات از بحران و تحمیل شکست به حریف، مهم‌ترین وظیفه‌ای است که یک دستیار می‌تواند ایفا کند، اما آیا نفرات فعلی روی تیمکت توانایی و شرایط انجام این وظیفه را دارند؟ اصلاً باید دید دلیل انتخاب آنها از سوی قلعه‌نوبی چه بوده است؛ اینکه آیا سرمربی بیشتر به تجربه و رزومه آنها توجه کرده یا ترجیح داده گزینه‌های پرچالش کنار دستش حضور نداشته باشند.

پیش از این خداداد عزیزی نتوانست کنار او دوام بیاورد و قید امداد حضور در تیم قلعه‌نوبی را زد، ولی این چهار نفر جایگاه‌شان را حفظ کرده‌اند و کماکان دستیاران قلعه‌نوبی به حساب می‌آیند. تیم ملی اگر چه مقدماتی جام جهانی را بدون شکست به پایان رساند اما به بازی‌هایی که با تساوی به پایان رساندیم و حتی در برخی دیدارهایی که پیروز شدیم، انتقادهایی وارد بود. اینکه چرا تغییری در سیستم بازی ایجاد نمی‌شود یا اینکه خبری از تغییر در ترکیب نیست را باید سرمربی پاسخ دهد. اینکه دستیارانش نظرشان با سرمربی یکسان است یا اصلاً دل و جرت مطرح کردن آن را ندارند؟

رسیدن به جام جهانی تازه اول ماجراست و برای آنکه حرفی در بین برترین‌های جهان داشته باشیم باید با دست پر و تدارکاتی راهی رقابت‌ها شویم. صعودمان زودتر از آنچه فکر می‌کردیم رقم خورد و دو هفته پایانی رقابت‌های انتخابی برای‌مان تشریفاتی بود، با این حال باز هم حریفان را دست کم نگرفتیم و حالا که بحث انتخابی‌ها تمام شده نباید فرصت را از دست دهیم. سال‌هاست فوتبال ملی ما در بحث تدارکات مشکلات خاص خود را دارد. جدا از تشکیل اردو، اعزام‌های خارجی و هزینه‌های زیادی که صرف مواردی چون پروازهای چارتر، اقامت در هتل‌های درجه یک و حضور در کمپ‌های استاندارد خارجی می‌شود، ماهنوز هم در پیدا کردن حریف تدارکاتی چالش‌های زیادی داریم. برنامهریزی برای انجام بازی‌های دوستانه و انتخاب حریفان، در فوتبال حرفه‌ای خودش یک هنر است و مدیریت خاص خود را می‌طلبد. مشکلات خاص حاکم بر منطقه خاورمیانه و نقش مسائل سیاسی در تصمیم کشورها برای رویاروشدن با تیم ملی ایران تنها یک بعد ماجراست.

در این بین درخواست‌های مالی تیم‌های بزرگ دنیا را نیز باید به مضللات دیدارهای دوستانه اضافه کنیم. با درنظر گرفتن این موارد که ربطی به دنیای فوتبال ندارند و مباحث مالی، مسئولان فدراسیون فوتبال ما سال‌هاست ثابت کرده‌اند توانایی پیدا کردن حریف خوب تدارکاتی را ندارند و حتی در برهه‌هایی عزز آنها روی عملکرد تیم ملی تأثیر منفی هم گذاشته است. از دست دادن زمان و فرصت‌های طلایی، نداشتن تبحر در مذاکره با فدراسیون‌های خارجی و همچنین نداشتن برنامه‌ریزی، از مهم‌ترین مسائلی هستند که معمولاً تیم ملی در مسیر آماده‌سازی حضور در جام جهانی با آن مواجه می‌شود. در ادوار گذشته حتی نظر سرمربی و ترس از باختن مقابل حریفان خارجی، روی تصمیم‌مدیران فدراسیون تأثیرگذار بود. در زمانی که کی‌روش سکان تیم ملی را به دست داشت، تیم کشورمان معمولاً با تیم‌های سطح پایین خارجی روبرو می‌شد و خبری از بازی‌های بزرگ نبود. گفته می‌شد مرد پر تغالی دلش نمی‌خواهد ر کوردها و

جای خالی دستیاران تأثیرگذار

مسئولیت اصلی تیم ملی بر عهده سرمربی است و طبیعتاً نوک همه انتقاده‌ها به سوی اوست. امیر قلعه‌نوبی پس از چند سال دوری دوباره این مسئولیت را پذیرفت و قبول کرد به هر زحمتی هست دوباره روی تیمکت بنشیند. او این بار در مسیر صعود به جام جهانی محک خورد و صعود سریع به این رقابت‌ها پاسخی است برای همه منتقدان. انتقادپذیر نبودن سرمربی یکی از چالش‌هایی است که اکثر رسانه‌ها و منتقدان در این مدت به آن اشاره کرده‌اند. یکی از این انتقاده‌ها به دستیارانش برمی‌گردد و اینکه او افرادی را انتخاب کرده که به جای تأثیرگذاری، ترجیح می‌دهند حرف‌های سرمربی را تأیید کنند و روی حرفش حرف نزنند. روی تیمکت آنتونیو مانیکونه، سعید الهویی، رحمان رضایی و آندرانیک تیموریان به‌عنوان دستیار کنار امیر قلعه‌نوبی حضور دارند، منتها در این مدت نتوانسته‌اند با مشورت‌های بموقع گروه‌های بازی‌ها را باز کنند. در فوتبال روز معمولاً دستیاران نقش‌شان در حد سرمربی یا حتی بیشتر هم است

